



۲۰۱۸/۰۸/۲۹



همایونشاه عالمی

آدمیت

آدمیت مرتبه افضل است
آتش احساس ز وجدان بود
سر به بلندبست ز انسانیت
نیت خود را تو به وجدان بسنج
آن ره روزی خودت راست کن
عمر مکن تیر بدان بی رهی
مژه بهم تا زنی رفتی به گور
زندگی کردی چو بخواب و بخور
بند تعصب بشکن با تبر
طائفه و قوم و زبان کار نیست
عار بود دزدی و ظلم و ستم
رحم نما بیش به همنوع خویش

آدمی را آدمیت مشعل است
کشتن وجدان ره نادان بود
روی به پستی برود بد نیت
معنویت دانی بود اصل گنج
حرف زبان آنچه زدل خاست کن
حاصل این عمر بود کوتاهی
چشم خود از حق منما همچو کور
مهتری یابد ز تو گاو و شتر
رحم و مروت بنما زیب و فر
آدمی از هر کجاست عار نیست
آدمی از کرده شود محترم
تا نشوی در همه حالت پریش

نیست همایون به جهانانت وفا

دست و زبان کوته بکن از جفا

